



جواد دلیری
نماینده دبیر

روحانے ۹۲ - روحانے ۹۸

آیا روحانی از شعارهایش عقب‌نشینی کرده و تغییر جهت داده است؟

دوم اینکه، تحقق بخش عمده‌ای از مطالبات سیاسی و فرهنگی مردم در انتخابات نیازمند همراهی نهادها و قوای دیگر است. بر همین اساس، روحانی در برهه‌های مختلف و بویژه اتخاذ سیاست‌های بزرگی مانند مذاکرات هسته‌ای، مبارزه با فساد اقتصادی یا اصلاحات فرهنگی بر عاملی به نام «عزم ملی» که در واقع ترجمان حمایت قوای دیگر نظام است، تأکید می‌ورزد؛ اما واقع امر آن است که روحانی رشته امور را از کسانی تحویل گرفت که در ادبیات سیاسی ایران به شعارگرایی شناخته شده بودند. آن روزها بسیاری از صاحب‌نظران انتخاب روحانی را حرکتی علیه پوپولیسم و شعارزدگی در سیاست ایران ارزیابی کردند. بر این اساس، روحانی و تیم کارگزاران دولت اعتدال از آنچه شعارزدگی بر سر اقتصاد و سیاست آورد کاملاً آگاه بودند.

آنان به جای طرح کلان جامعه مدنی از طرح نظام‌های صنفی و حرفه‌ای گفتند، به جای طرح کلان تنش‌زدایی از مذاکره سیاسی با قدرت‌های جهانی حرف زدند، به جای دفاع کلان از آزادی و مبارزه با سانسور از ایجاد نهادهای قضاوت صنفی برای ممیزی سخن گفتند و به جای سخن گفتن از عدالت اجتماعی از رونق کسب و کار و تقویت بخش خصوصی حرف زدند. در سخنان حسن روحانی به راحتی می‌توان آموزه‌های دانشمندان علوم سیاسی، علوم اقتصادی و علوم اجتماعی را دید.

حسن روحانی در دو مقطع انتخابات ۹۲ و ۹۶ با تکیه بر شعارهایی روی کار آمد که هنوز ترجیع‌بند سخنان او در هر محفلی است. شعارهایی همچون اعتدال و آرامش در سیاست، عبور از سد تحریم و تورم اقتصادی و شکستن دیوار محدودیت و انحصار از عرصه فرهنگ، برقراری آزادی و امنیت در جامعه. حسن روحانی از همان سال ۹۲، در سیاست ورزی‌اش را روی پاشنه سیاست خارجی چرخانده بود. همین هم بود که همه چیز از سیاست داخلی تا اقتصاد و جامعه به توافق هسته‌ای گره خورد. در چهار سال اول با پابرجایی برجام، توفیق سیاست خارجی را همراه خود آورد. در داخل نیز توانست به کنترل اقتصاد بپردازد، در سیاست داخل امید را افزایش دهد. در آستانه انتخابات ۹۶ مطالبات جامعه از او فزونی گرفت. نطق‌های آتشین روحانی در انتخابات اردیبهشت ۹۶ نیز بر آن دامن زد ولی بعد از انتخابات، کابینه روحانی آن نشد که جامعه انتظار داشت و اولین نقدها آغاز شد. ترامپ که آمد اما همه میراث او با ما بر باد داد. دیوار میان ایران و آمریکا به بلندای سابق بازگشت، هرچند در یک سال و اندی گذشته روحانی با تبیین و ترسیم سیاست «صبر استراتژیک» دیپلماسی را روبه جلو برد و با مقاومت در سیاست و دیپلماسی، کشتی پر تلاطم اقتصاد را تا ساحل نا آرام کشاند. دی‌ماه ۹۶ نیز موج ناامیدی بار خدادای مشهد آغاز شد. این چنین شد که سمت و سوی انتخاباتی از روحانی تندتر و او متهم به عقب‌نشینی از رأی مردم، کندروی و نادیده گرفتن مطالبات شد. تمام این‌ها در حالی است که حسن روحانی خود را یک اعتدال‌گرا می‌داند و رفتار سیاسی که از روحانی و دولتش باید انتظار داشته باشیم یک رفتار سیاسی اعتدالی است. هر دو طیف اصلاح‌طلب و اصولگراد دنبال آن هستند که رنگ سیاست خود را بر دولت و رفتار روحانی بزنند؛ او مقاومت می‌کند و آنها انتقاد؛ اما سؤال اساسی این است که آیا روحانی رنگ عوض کرده است؟

■ اول: شعارهای روحانی موفقیت‌ها و ناکامی‌ها

شعارهای روحانی این روزها بیش از هر زمان دیگر محل بحث است از شهروندان عادی که سراغ وعده‌های اقتصادی رئیس‌جمهوری را می‌گیرند تا گروه نخبگان و فعالان سیاسی که به نوبد روحانی برای گشایش فضای سیاسی و فرهنگی چشم دوخته‌اند. شعارها، در دنیای واقعی، همان پیمان نانوشته‌ای هستند که میان رئیس‌جمهوری و مردم بسته می‌شود. اگر سیاستمداران با ارائه این شعارها، تصویری از جامعه آرمانی خویش را در ذهن مردم می‌سازند در مقابل افکار عمومی از این شعارها به عنوان میزان الحراره‌ای برای سنجش ارزش کار دولتمردان و انطباق گفتار و رفتار آنها بهره می‌گیرند. بنابراین طبیعی است در روزی که روحانی بر وفاداری به شعارها و آرمان‌های خود تأکید می‌ورزد جمعی دیگر در رسانه‌ها، دانشگاه و بازار همچنان به قضاوت درباره چندوچون تحقق این شعارها ننشسته‌اند. در این بزنگاه، مهم‌ترین گزاره‌ای که هر یک از گروه حامیان و مخالفان و رقیبان دولت مطرح می‌کنند این است که روحانی تغییر کرده است. آنان روایت خاص خود را از «فرجام شعارهای روحانی» دارند. گروهی از هواداران و حامیان او که امروز به منتقد تبدیل شده‌اند، گاهی فراتر از این گام برمی‌دارند و او را متهم به عقب‌نشینی از شعارهایش می‌کنند. جمع مخالفان دولت با داشتن تربیون‌های تبلیغاتی پر شمار در تلاش اند تا دولت را در تحقق این شعارها ناموفق نشان دهند. از میان این جمع می‌توان به حرکت شاخه منتقدان و مخالفانی اشاره کرد که در نقاطی مانند مجلس و رسانه‌های رسمی روزان و شبان کارنامه دولت را تیره‌وتار نشان می‌دهند. این گروه برای زیر سؤال بردن شعارها و چالش انداختن رئیس‌جمهوری از شگردهای شناخته شده‌ای در رسانه‌ها و تربیون‌های خویش بهره می‌گیرند؛ شگردهایی مثل متهم کردن دولت به سکولاریزه کردن جامعه یا تلاش برای برانگیختن حساسیت و نگرانی برخی نیروهای ارزشی به اقدامات دولت و نیز دمیدن در تنور مطالبات اقتصادی توده فقیر جامعه. در کنار این جبهه مخالف و منفی‌نگر، جمع حامیان و همراهان دولت نیز در مقاطع مختلف دولت را به عقب‌نشینی و کندروی متهم کرده‌اند.

امداد در فاصل دو طیف یاد شده یک جریان خاکستری را نیز می‌توان مثال آورد که با تردید و نگرانی روند تحقق شعارها و آرمان‌های دولت حسن روحانی را می‌نگرند. در این طیف می‌توان برخی فعالان سیاسی و رسانه‌ای را سراغ گرفت که خواستار شکستن قفل برخی محدودیت‌ها هستند از جمله محدودیت‌هایی که دامنگیر فناوری‌های ارتباطی یا فعالیت برخی تشکلات و انجمن‌های صنفی است. چنانکه مشهود است هر گروه و جریانی سرگذشت شعارهای بعد از انتخابات ۹۲ و ۹۶ را از منظر منافع و موقعیت خویش داوری می‌کند. روحانی اما در برابر منتقدان که با تردید و دلهره از سرنوشت آرمان‌های ۲۴ خرداد می‌پرسند همواره بر دوا دله روشن تکیه کرده است؛

اول اینکه، هرگونه شتاب‌زدگی و تندروی در پیگیری مطالبات سیاسی، مغایر با منطق اعتدال است و چه بسا این جریان را به سرنوشت ناخوشایند دوره اصلاحات دچار کند و بنابراین دعوای «زمینه‌ورمان» نقش اساسی در فرآیند تحقق آرمان‌های دولت ایفا می‌کند.

تکسرها: سجاد صفیری، ایران

روحانی
۹۲

■ دوم: روحانی و «فایل قضاوت» منتقدان

عملکرد روحانی طی سال‌های اخیر همواره از سوی جناح منتقد با دو کارنامه دنبال شده است؛ یکی فایلی است که از خرداد ۹۲ یعنی پس از حضور او در عرصه قدرت کشف شده می‌شود و با طبع مبنای ارزیابی آن گام‌هایی است که رئیس‌جمهوری برای تحقق برنامه‌ها و اصلاح ساختار معیوب اقتصادی و سیاسی برمی‌دارد. بدون شک در این فایل تنها مسائلی مطرح و جا می‌گیرد که در حیطه کار دولت رخ می‌دهد؛ اما در فایل دوم، ملاک‌ها و روش‌های دیگری برای جمع‌بندی و داوری کار روحانی دنبال می‌شود. با تعریفی که طراحان برای این فایل کرده‌اند تمام مشکلات و نابسامانی‌های حوزه اقتصاد، فرهنگ و سیاست در این کارنامه قابل طرح هستند و به این اعتبار روحانی در قبال تمام امور و اوضاع مسئول خوانده می‌شود. در این فایل حجیم هم می‌توان میراث عملکرد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پیشینیان را ذیل نام روحانی آورد و هم نتایج و عوارض آن طرح‌ها و اندیشه‌های سابق را به نام او تمام کرد.

منتقدان و رقیبان روحانی هیچگاه دوره روحانی را از منظر داده‌ها و اطلاعات برگرفته از عملکرد او به داوری ننشسته‌اند، بلکه مبنای نگاه آنها همان فایل دوم بوده است. فهم و اثبات این مسئله هم چندان دشوار نیست، چرا که اولاً منتقدان و مخالفان برای پرسشگری و به چالش کشاندن روحانی و حامیان‌ش هیچگاه منتظر زمان و محک توان و تفکر او در بستر واقعیت‌ها ننشسته‌اند بلکه از بدو حضور او در سطح عالی اجرایی، تابلو قضاوت خود را به نمایش گذاشتند. ثانیاً، سخن و داوری دیروز آنها (در خرداد ۹۶) با امروزشان (مهر ۹۸) هیچ تغییری نکرده است.

مخالفان در هر مقطعی به نسبت برآوردی که از شرایط درگیری و کارآیی فایل در اختیار دارند، فصلی از آن را می‌گشایند. اکنون در آغاز سال جدید از دور دوم دولت روحانی به نظر می‌آید که دو حوزه از فعالیت روحانی محل تلاش و تحرک فایل نویسان رسانه‌ای و حزبی قرار گرفته است (اقتصاد و فرهنگ). فلش‌های حمله و اتهام، این بار هم روی محورهای موضوعاتی پیش می‌رود که جزو میراث عملکرد خود دوستان یا برخی از نتایج و آثار طرح